

پژوهشنامه‌ی ادب غنایی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال هفتم، شماره‌ی دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۸۸

(صص: ۴۸-۳۱)

احساس و عاطفه شاعران معاصر عرب نسبت به حقوق زنان

دکتر حسن دادخواه* - شهربانو فقیهی**

دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

زنان در کشور های عربی، در دهه های اول قرن نوزدهم میلادی، از نظر برخورداری از حقوق اجتماعی، جایگاه مناسبی نداشتند. شاعران سرزمین های عربی، همگام با سایر روشنفکران، کوشیدند تا برای دفاع از حقوق فردی و اجتماعی زنان در جوامع عربی، از شعر به عنوان ابزاری تأثیرگذار و فراگیر بهره ببرند. بنابراین، زن و موضوعاتی مانند اعطای آزادی به او و لزوم فراهم آوردن زمینه‌ی علم آموزی برای این قشر، از مهمترین درونمایه های شعر نوین عربی قرار گرفت. پرسش هایی مانند این که "زن" در شعر نوین عربی، از چه جایگاه و منزلتی برخوردار بوده است و شاعران چگونه در بیان حقوق اجتماعی و فردی زنان احساسات خویش را بروز داده اند یکی از

*Email:dadkhah1340@yahoo.com

**Email:faghihi_sh@yahoo.com

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید چمران اهواز

موضوعات مهم در مطالعات شعر شناسی در ادبیات نوین عربی است که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

در این نوشته، با گذری بر وضعیت زنان در جوامع عربی و غربی در قرون اخیر و طرح دیدگاه هایی پیرامون حقوق زنان، با تحلیل نمونه هایی از سروده های شاعران نامدار عرب در دوره ی معاصر، به بحث در این زمینه می پردازیم.

شاعران مورد نظر، توانستند با بهره گیری از ظرفیت های شعری و نیروی تاثیر گذار آن، نقش برجسته ای در شناساندن جایگاه واقعی زنان به جوامع عربی ایفا کرده اند.

واژگان کلیدی: زن، معاصر، شعر، حقوق، عاطفه.

مقدمه

زن از گذشته های دور، در جوامع گوناگون، از حقوق فردی و اجتماعی شایسته ی خود، بی بهره بوده و مورد ستم و حقارت قرار می گرفته است.

از قرن نوزدهم میلادی، با تغییر لوایح قانونی و حرکت های آزادی خواهانه، زنان در مغرب زمین، توانستند بخشی از حقوق پایمال شده ی خود را به دست آورند. به دنبال آن، در کشورهای عربی نیز، دگرگونی های مثبتی در راستای برآوردن حقوق فردی و اجتماعی زنان و تغییر قوانین مربوط به ازدواج، طلاق و اشتغال آنان به وجود آمد. در این راستا، برخی از ادیبان و شاعران در تألیفات و سروده های خویش، بر لزوم گسترش آموزش به زنان پای فشرده و به تبیین حقوق مسلم آنان، پرداختند. ایشان به مناسبت های گوناگون توانستند این خواسته ی تاریخی زنان را که همان لزوم دستیابی به جایگاه واقعی در جوامع عربی - اسلامی است؛ به زمامداران کشورهای عربی، انتقال دهند و با ترویج مفاهیم اساسی در این موضوع، فرآیند تحقق نسبی حقوق زنان را هموار کنند.

بی گمان، آموزه های دین اسلام، رویکردهای غربی و فرهنگ بومی، بیشترین تأثیرات را در اندیشه ی شاعران معاصر عربی داشته است؛ زیرا سروده های آنان، در بر دارنده ی دیدگاه های

متناقضی در زمینه‌ی حقوق اجتماعی زنان به ویژه مسائلی مانند پوشش، اشتغال، خانه داری و نحوه و محدوده حضور زن در میان مردان، می باشد. به هر حال، طرح مسائل زنان در شعر نوین عربی، نقش تأثیر گذاری در دگرگون شدن برداشت ها و دیدگاهها نسبت به زن در کشورهای عربی داشته است.

نگاهی به فرآیند دگرگونی مسائل زنان در مغرب زمین

دیدگاههای تبعیض آمیز و ستمگرانه پیرامون زن و حقوق فردی و اجتماعی او را در نقطه نظرات فیلسوفان یونان باستان و مغرب زمین به روشنی می توان یافت (محمد قطب، بی تا: ۱۵-۹). از میان فیلسوفان یونان باستان، در اینجا تنها به سقراط اشاره می کنیم که می گوید: «وجود زن منشأ بحران و انهدام جهان است؛ زن مانند درخت مسمومی است که از بیرون زیبا است ولی وقتی گنجشک ها آن را می خورند، بی درنگ می میرند (خیر اله مردانی، ۱۴۰۰ هـ: ۷). از میان اندیشمندان معاصر غربی نیز تنها به شو پنهاور و نیچه اشاره می کنیم که نظر مثبتی درباره‌ی زن نداشتند و او را موجودی فرو دست می دانستند (محمد علی فروغی، ۱۳۸۱، ج اول: ۵۵۳ و فرید ریش نیچه، ۱۳۷۹: ۲۱۲-۲۰۹).

در قرن هجده میلادی حتی پس از انقلاب کبیر فرانسه، نمایندگان مجلس، فعالیت زنان را در بیرون از خانه برای نظم عمومی خطرناک شمردند و لذا آنان را از هر فعالیتی در بیرون از خانه، از جمله شرکت در انجمن های سیاسی، منع کردند (آندره میشل، ۱۳۷۷: ۷۲). نخستین گام برای دفاع از زنان در غرب در دهه های اول قرن بیستم برداشته شد. پس از آن، جنبش زنان با شعار برابری حقوق زن و مرد آغاز گردید و به تدریج رفع تبعیض های حقوقی ناشی از جنسیت، با تأکید بر حقوق زن، محور تمامی معاهدات و اعلامیه های بین المللی قرار گرفت. این جنبش که به پشتوانه نظریه های فلسفی، حقوقی و سیاسی در شکل مکتب اصالت زن (Feminism) ادامه یافت، کوشش نمود تا بنیاد مردانه نگرستن به هر چیز را بر هم بزند و سیمای حقیقی زن را معرفی کند (رامان سُلدن، ۱۳۷۲: ۲۵۶).

نظریه پردازان این مکتب، در دفاع از حقوق زنان به سه نکته‌ی اساسی تأکید می‌نمایند:

۱- زن، انسانی کامل و بالغ است و در زندگی زناشویی از استقلال، اختیار و حقوق برابر با مردان برخوردار است.

۲- زن از نظر فکری، انسانی آزاد و مستقل است.

۳- زن باید در مسائل اجتماعی و سیاسی شرکت کند و حقوق برابر با مردان داشته باشد (آندره میشل، همان: ۱۱۵ - ۱۱۰).

ناگفته نماند که دسته‌ای از گرایش‌های افراطی برخاسته از این مکتب، با اعلام دیدگاه‌های تخریب‌گر، پیرامون ارزش‌زدایی از خانه‌داری زن و ترغیب زنان به تقلید از الگوهای جنسی مردانه، بنیان خانواده را زیر سؤال برده‌اند (مگی هام، ۱۳۸۲: ۵۲۱).

وضعیت اجتماعی زنان در سرزمین‌های عربی

جایگاه زن در نظام اجتماعی و فرهنگی کشورهای عربی، تا نخستین دهه‌های قرن بیستم، متأثر از اوضاع ناگوار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای عربی بود. وجود حکومت‌های خودکامه، چیرگی بیگانگان و فقر اقتصادی سبب گردیده بود تا جوامع عربی در تمام عرصه‌ها به ویژه فرهنگی و علمی، عقب‌نگه داشته‌باشند و عموم مردم از جمله زنان نتوانند از کمترین حقوق شهروندی برخوردار شوند.

با گذشت زمان و در پی شکل‌گیری حرکت‌های آزادی‌خواهانه در پاره‌ای از کشورهای عربی به ویژه با انحلال رسمی خلافت عثمانی به دست مصطفی کمال در سال ۱۹۲۴، زمینه‌ی گسترش دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه، با دو رویکرد اسلامی و غربی برای دانش‌آموختگان عرب در مدارس دینی و مراکز آموزشی وابسته به کشورهای غربی فراهم آمد. آنان کوشیدند تا در راستای دستیابی به استقلال سیاسی و ردّ استبداد و سلطه‌ی بیگانگان، نگرش‌های سنتی و بازدارنده را از جمله برداشت‌ها و تلقی‌های غلط نسبت به «زنان»، که با آمیزه‌ای از آموزه‌های

دینی، بر اذهان سایه افکننده بود، اصلاح نمایندگان و الگوهای نو و متفاوتی را که بر اساس تعالیم قرآن یا تجربه های جدید غرب است، به زنان عرب و حاکمان سیاسی، بشناسانند.

از میان این مصلحان و ادیبان می توان از احمد فارس الشدیاق (۱۸۰۰-۱۸۸۴) رفاعه رافع الطهطاوی (۱۸۰۱-۱۸۷۳)، عبدالرحمن کواکبی (۱۸۴۸-۱۹۰۲)، سید جمال الدین اسدآبادی (۱۸۳۹-۱۸۹۷)، شیخ محمد عبده (۱۸۴۹-۱۹۲۲)، سید محمد رشید رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵)، شکیب ارسلان (۱۸۶۹-۱۹۴۶)، قاسم امین (۱۸۶۳-۱۹۰۸)، فرح انطون (۱۸۷۴-۱۹۲۲) و سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶) نام برد.

این اصلاح طلبان، در نوشته های خویش با طرح موضوعاتی چون لزوم برابری حقوق زن و مرد، لزوم اصلاح قوانین ازدواج و طلاق، منع چند زنی، حدود شرعی پوشش و حجاب زن، ضرورت فراهم آوردن امکان تعلیم و تربیت برای زنان و موضوع سرپرستی مرد بر زن، به ترویج مفاهیم پایه ای پیرامون حقوق زنان، با بهره گیری از دیدگاه های فقهی، جامعه شناسی و روان شناسی همت گماشتند (هشام شرابی، ۱۳۶۹: ۱۰۴-۹۹).

بی گمان، روشنگری های آنان، بر اراده مردم و حاکمان در کشورهای عربی برای بازنگری در قوانین مدنی ناظر بر حقوق زنان و اصلاح رویکردهای سنتی، تأثیر مثبتی نهاد؛ زیرا پس از سپری شدن چند دهه، حقوق و جایگاه اجتماعی زنان در کشورهای عربی، دگرگونی شایان توجهی به خود دید. برای نمونه در مصر به سال ۱۹۲۰ و در سوریه به سال ۱۹۵۳ قوانینی در دفاع از حقوق زنان در مسائلی چون ازدواج، طلاق و چند زنی، به تصویب رسید (رضوان السید، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

بازتاب مسائل زنان در شعر نوین عربی

گرچه در میان نویسندگان معاصر عرب، نامدارانی چون عباس محمود العقاد، توفیق حکیم، طه حسین، نجیب محفوظ و ابراهیم عبدالقادر المازنی، دیدگاههای منفی ای از خود درباره ی زن به جا گذاشتند و به طور روشن، تنی چند از آنان مانند عقاد و توفیق حکیم، به «دشمن زن»

معروف گشته اند ولی در میان سرایندگان، دسته ای را می توان یافت که از زنان در شعرهای خود، شجاعانه جانبداری نموده اند.

بنا به گستردگی حوزه‌ی جغرافیایی کشورهای عربی و شمار فراوان شاعران نامدار عرب، تنها به سرزمین‌هایی بسنده می‌کنیم که به لحاظ رشد فرهنگی و ادبی در کانون توجه قرار گرفته اند و پیش از دیگر مناطق از گرایش‌های جدید فرهنگی و سیاسی، بهره برده اند.

در این بخش از نوشته، نمونه‌هایی از سروده‌های شاعران نامدار سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی در ادبیات عربی را پیرامون موضوع‌های زیر می‌آوریم:

۱ - توجه به آموزش و پرورش زنان؛

۲ - ارزیابی و چگونگی پوشش زنان؛

۳ - مسائل ازدواج، طلاق و چند زنی؛

۴ - برابری حقوق اجتماعی زن و مرد؛

۵ - توصیف تغزلی از زن؛

۱ - توجه به آموزش و پرورش زنان؛

با توجه به گسترش فقر و بی‌سوادی در طبقات میانی و پایین جامعه در کشورهای عربی در آستانه‌ی قرن بیستم، قانع نمودن افرادی که بیرون آمدن زنان از خانه و علم‌آموزی ایشان را در تضاد با آموزه‌های سنتی می‌دانستند، کاری بس دشوار بود. رفاعه رافع الطهطاوی (۱۸۰۱-۱۸۷۳)، در پیشاپیش اندیشمندان و مصلحانی قرار داشت که نقش برجسته‌ای در ترویج تعلیم و تربیت زنان داشته‌اند (جمال الدین الشیال، بی تا: ۵۱).

برخی از شاعران اصلاح طلب نیز کوشیدند تا سواد‌آموزی و تحصیل علم تا بالاترین مراتب را به عنوان نکته‌ای پایه‌ای در امر توسعه انسانی و اجتماعی در سروده‌های خود مورد تأکید قرار دهند؛ زیرا قشری از مردم معتقد بودند که زنان باید به اندازه‌ای آموزش ببینند که آنان را در زندگی زناشویی و خانه‌داری کمک کند. برای نمونه به سروده‌ی زیر از حافظ ابراهیم توجه کنید:

- ۱ - مَنْ لِي بِتَرْبِيَةِ النِّسَاءِ فَإِنَّهَا
فِي الشَّرْقِ عَلَّةٌ ذَلِكَ الْإِخْفَاقِ
- ۲ - الْأُمُّ مَدْرَسَةٌ إِذَا اغْدَدَتْهَا
أَعْدَدَتْ شَعْبًا طَيْبَ الْأَعْرَاقِ
- ۳ - الْأُمُّ رَوْضٌ إِنْ تَعَهَّدَهُ الْحَيَا
بِالرِّيِّ أَوْرَقَ أَيَّمَا إِيْرَاقِ
- ۴ - الْأُمُّ أَسْتَاذُ الْأَسَاتِذِ الْأَلَى
شَغَلَتْ مَأْتِرُهُمْ مَدَى الْأَفَاقِ

(حافظ ابراهیم، دیوان، ۱۹۹۸ م: ۲۴۰)

ترجمه ابیات

- ۱- چه فردی مسئول تربیت زنان است، زیرا نپرداختن به تربیت آنان علت عقب ماندگی مشرق زمین است.
- ۲ - نقش مادران، مانند نقش مدرسه است. اگر آن را مهیا ساختی گویی ملتی پاک سرشت را آماده نموده ای.
- ۳ - مادر، همچون باغی است که اگر باران آن را سیراب کند، بسیار سرسبز می گردد.
- ۴ - مادر، استاد تمام استادانی است که آثار نیک آنان به همه‌ی سرزمین‌ها رسیده است.
- معروف الرصافی، بزرگ پرچم دار آزادی زن نیز سروده های خوبی در این باره دارد که به ابیات زیر بسنده می کنیم:

- ۱ - فَكَيْفَ نَظْنُ بِالْأَبْنَاءِ خَيْرًا
إِذَا نَشَوْنَا بِحِضْنِ الْجَاهِلَاتِ
- ۲ - وَهَلْ يَرْجَى لِأَطْفَالِ كِمَالُ
إِذَا ارْتَضَعُوا تُدَى النَّاَقِصَاتِ
- ۳ - حَتَوْنَ عَلَى الرُّضِيعِ بَغِيرِ عِلْمِ
فَضَاعَ حُتُوُّ تِلْكَ الْمُرْضِعَاتِ

(الرصافی، ۲۰۰۰ م: ۴۷۲)

ترجمه ابیات

- ۱ - چگونه برای آینده‌ی فرزندان خود خوبی و نیکویی می خواهیم، آنگاه که در دامان فرد بی سواد و جاهل رشد کنند.

۲ - آیا برای کودکانی که از سینه‌ی مادران بی سواد شیر خورده اند، می توان آرزوی کمال نمود.

۳ - مادرانی که بدون علم و آگاهی، به نوزادان خود مهربانی ورزند، مهرورزیشان کامل نشده است.

۲- ارزیابی و چگونگی پوشش زنان:

یکی از عواملی که سبب گردید تا زنان از حضور در اجتماع و اشتغال در بیرون از خانه محروم شوند، چیرگی بیگانگان بر کشورهای عربی بود. مردم مسلمان برای جلوگیری از تعرض و مزاحمت احتمالی بیگانگان به نوامیس خود، محدودیت هایی را برای زنان و دختران به وجود آوردند. در برخی از جوامع عربی بیرون آمدن زنان منوط به پوشیدن چند عبای سیاه با روبند، آن هم در وقت روز و فقط در محدوده‌ی کوچه ها بود. زنان در این جوامع اجازه‌ی ورود به اماکن عمومی را نداشتند. در این راستا دسته ای از مردان آنقدر متعصب بودند که از این که همسرانشان حتی یکبار قسمت ورودی خانه را ندیده اند، افتخار می کردند.

به سخن دیگر رعایت حجاب و پوشش ملازم با در خانه ماندن، بی سواد و محرومیت از سایر حقوق فردی و اجتماعی بود. بر این اساس شاعرانی که مخالف حجاب بودند لزوماً منادی و طرفدار بی حجاب بودن زنان، نبودند.

از میان شاعرانی که حمایت از بی حجابی در سروده هایش دیده می شود، جمیل صدقی الزهاوی است. موضع گیری های افراطی وی در این باره سبب خشم علمای دینی و خانه نشین شدن او گردید. به اعتقاد او، حجاب، سبب گوشه نشینی زن و عدم تماس وی با مردان و جامعه می گردد و این انزوا مقدمه بی بهره ماندن زن از علم آموزی را فراهم می آورد. (صالح، العلی الصالح، ۱۹۷۲م: ۳۱)، به چند بیت از او توجه کنید:

- | | |
|--------------------------------------|----------------------------|
| ۱ - أسفري فالحجاب یابنة فَهْرٍ | هو داءُ فی الاجتماع وخیم |
| ۲ - أسفري، فالسفورُ لِلنَّاسِ صَبْحٌ | زاهرٌ و الحجابُ لیلٌ بهیمٌ |

۳ - هو فی الشَّرعِ و الطَّبیعةِ و الأذوا
ق و العقلِ و الضَّمیرِ ذمیمُ

۴ - لا یقی عَفَّةَ الفتاةِ حجابُ
بَلْ یقیها تثقیفُها و العلومُ

ترجمه ابیات

- ۱ - ای دختر عرب! حجاب را کنار بگذار، زیرا که آن، درد بی درمانی برای جامعه است.
- ۲ - حجاب را کنار بگذار، زیرا بی حجابی مانند صبح روشن است و حجاب داشتن، همچون شب تاریک است.
- ۳ - حجاب از نگاه دین، سرشت، عقل و ذائقه انسانی، امری ناپسند است.
- ۴ - حجاب از، عفت زنان محافظت نمی کند، بلکه آنچه که ایشان را از هرزگی دور نگه می دارد، علم و فرهنگ است.
- دسته ای دیگر از شاعران، تربیت معنوی و باطنی را، حجاب واقعی و مانع لغزش اخلاقی زنان، دانسته اند. مانند معروف الرصافی که در این بیت می گوید:
- شرفُ الملیحة أن تكونَ أدیبةً و حجابُها فی الناسِ أن تَهْدَبًا
- (ارزش دختر زیبا رو، به تربیت اوست و حجاب واقعی او، این است که در میان مردم، همچنان پاک دامن باشد).

۳ - ازدواج، طلاق و چند زنی

گرچه قوانین ویژه‌ی ازدواج و طلاق در کشورهای عربی در قرن نوزدهم میلادی برگرفته از فقه اسلامی بوده است ولی مقتضیات زمان در اجرای آن قوانین نادیده گرفته می شده است و افزون بر این روح سنت های بومی و محلی بر آن غلبه داشته است. برای نمونه به همسری درآوردن دختران با مردان بزرگسال، ازدواج بدون آشنایی قبلی زن و مرد با یکدیگر، رواج چند زنی در هر شرایط و عدم رعایت حقوق زنان در طلاق از اموری بوده است که به سبب آن

بیشترین ستم ها بر زنان روا می شده است. معروف الرصافی در این دوییت، تزویج دختران با مردان پیر را، نوعی ستم و آزمندی توصیف کرده است:

۱ - ظَلَمُواكِ إِتْهَا الْفِتَاةُ بِجَهْلِهِمْ إِذَا أَكْرَهُوكِ عَلَى الزَّوْجِ بِأَشْيِبَا
 ۲ - طَمَعُوا بِوَفْرِ الْمَالِ مِنْهُ فَأَخْجَلُوا بَفُضُولِ هَاتِيكِ الْمَطَامِعِ أَشْعَبَا

(همان: ۴۶۸)

ترجمه ابیات

۱- ای دختر جوان، خانواده‌ی تو، از روی نادانی، در حق تو ستم کردند و تو را به همسری با مرد پیر وادار نمودند.

۲- آنان به ثروت فراوان آن مرد مسن آزمند شدند و با این کار نادرست، مردمانی را سرافکنده نمودند. احمد شوقی نیز در این باره سروده است:

۱ - الْمَالُ حَلَّلَ كُلَّ غَيْرِ مُحَلَّلٍ حَتَّى زَوَّجَ الشَّيْبَ بِالْأَبْكَارِ
 ۲ - مَا زُوِّجَتْ تِلْكَ الْفِتَاةُ وَ إِنَّمَا بِيَعُ الصَّبَاوُ الْحُسْنَ بِالْدِينَارِ

ترجمه ابیات

۱- پول، هر مشکل ناگشودنی، حتی مشکل تزویج دوشیزگان با پیرمردان را بر طرف می کند.
 ۲- این دوشیزگان، در واقع شوهر اختیار نکرده اند، بلکه جوانی آنان با پول، داد و ستد شده است.

۴- برابری حقوق زن و مرد

تاریخ معاصر کشورهای عربی نشان می دهد که زنان بویژه در طبقات میانی و پایین جامعه، بر اساس نظام قبیله ای و طایفه ای، از کمترین حقوق اجتماعی برخوردار بوده اند و مقدرات

آنان به طور کامل در اختیار نظام مرد سالاری قرار داشته است. در این راستا می توان به محروم بودن از اشتغال در بیرون از خانه، عدم استقلال مالی، نداشتن اختیار در گزینش همسر، ممنوع بودن از حضور در اجتماع و نبودن شرایط علم آموزی برای آنان اشاره نمود.

همانگونه که پیداست پایه‌ی تمام این نابرابری‌ها، وجود تبعیض جنسیتی است. حال آنکه هر یک از این دو جنس، در زمینه‌هایی، ویژگی‌هایی دارد و در سایر زمینه‌ها، با جنس دیگر، دارای صفات مشترک می باشد. بر این اساس نمی توان بدون در نظر داشتن ویژگی‌های هر کدام سخن از برابری و تساوی میان حقوق زن و مرد به زبان آورد. راه درست در اعطای حقوق اجتماعی به زن و مرد، قرار دادن هر یک در جایگاه ویژه و متناسب خود اوست نه این که زن را به جای مرد و مرد را به جای زن بنشانیم. به همین جهت، مضامین دسته‌ای از سروده‌های شاعران، تأکید بر رفع تبعیض از زنان در برابر مردان دارد، که به نمونه‌هایی از آن اشاره می کنیم:

- | | |
|---|---------------------------------------|
| ۱ - وَ قَالُوا شَرَعَهُ الْإِسْلَامُ تَقْتَضِي | بتفضیل الذین علی اللواتی |
| ۲ - وَ قَالُوا الْجَاهِلَاتُ أَعَفُّ نَفْسًا | عن الفحشاء من المتعلّمات |
| ۳ - لَقَدْ كَذَّبُوا عَلَى الْإِسْلَامِ | تَزُولُ الشُّمُّ مِنْهُ مَزَلِزَلَاتِ |
| ۴ - أَلَيْسَ الْعِلْمُ فِي الْإِسْلَامِ فَرَضًا | علی أبنائِهِ و علی البناتِ |

(الرصافی، ۲۰۰۰م: ۴۷۲)

ترجمه ابیات

- ۱- گفتند که دین اسلام، مردان را بر زنان برتری داده است.
- ۲- گفتند که زنان بی سواد، پاک دامن تر از زنان دانش آموخته می باشند.
- ۳- دروغ‌هایی به اسلام نسبت داده اند، که حتی انسان بزرگوار نیز از شنیدن آن، دچار تردید می شود.
- ۴- مگر در دیدگاه اسلام، آموختن دانش به پسران و دختران واجب نشده است؟

جمیل صدقی الزهاوی نیز به طور روشن به همدوشی زنان و مردان در آبادانی کشورشان، این گونه اشاره دارد.

- | | |
|------------------------------------|-------------------------------|
| ۱ - للمرأة فضلٌ في العمرانِ تشهدهُ | لو لا تقدّمها ماتمَّ عمران |
| ۲ - فأنما هي للأبناء مدرسة | و أنما هي للآباء معوان |
| ۳ - و إنما هي للمفجوع تعزيةٌ | و أنما هي للمحزون سلوان |
| ۴ - و إن اصلاحها اصلاحٌ مملكةُ | و إن اهماؤها موتٌ و خسران |
| ۵ - يأبى تأخرها قومٌ له شممٌ | و بالرقى لهم دينٌ و ايمان |
| ۶ - لا يرفعُ الشعبَ من اعماق وهدیه | إلا رجالٌ أولوا العزم و نسوان |

ترجمه ابیات

- ۱ - در آبادانی کشور، زن نقش مهمی ایفا می کند، به گونه ای که اگر زمینه برای رشد او فراهم نشود، آبادانی کشور نیز کامل انجام نمی گردد.
 - ۲ - زن برای فرزندانش همچون مدرسه و برای همسر خود، یاری رسان است.
 - ۳ - زن مایه‌ی آرامش خانواده در برابر مصائب و اندوه هاست.
 - ۴ - همانا اصلاح زن، منجر به اصلاح کشور می گردد و عدم توجه به او، سبب مرگ و نابودی کشور است.
 - ۵ - جامعه‌ی ای که به رشد و توسعه رسیده است، از عقب نگه داشتن زنان خودداری می کند زیرا می داند که حفظ دین و ایمان در گرو پیشرفت زنان است.
 - ۶ - تنها مردان و زنان با اراده می توانند جامعه را از سقوط نجات دهند.
- یکی از مصادیق ستم به زنان در جامعه‌ی آن روز، کشتن دختران جوان و زنان، بر اثر سوء ظن به آنان بود. این موضوع که به «غسلًا للعار» مشهور است برای پاک کردن ننگی بود که در پی متهم شدن زنی به داشتن رابطه‌ی عاشقانه با یک مرد و یا سرباز زدن از ازدواج اجباری با کسی که به او علاقه ای ندارد، برای خانواده‌ی او به وجود می آمد.

خانم نازک الملائکه، از جمله شاعرانی است که در سروده های خود به این سنت غلط انتقاد کرده است. برای نمونه به این بند توجه کنید:

« أُمَاهُ » وَ حَشْرَجَةٌ وَ دَمَوْعٌ وَ سَوَادٌ
 وَ انْبِجَسَ الدَّمُّ وَ اخْتَلَجَ الْجِسْمُ الْمَطْعُونُ
 وَ الشَّعْرُ الْمَتَمَوِّجُ عَشَّشَ فِيهَا الطِّينُ
 « أُمَاهُ » وَ لَمْ يَسْمَعْهَا أَلَا الْجَلَادُ
 وَ غَدَاً سَيَجِي الْفَجْرُ وَ تَصْحُو الْأُورَادُ
 وَ الشَّعْرُونَ تُنَادِي وَ الْأَمَلُ الْمَفْتُونُ
 فَتَجِيبُ الْمَرْجَةُ وَ الْأَزْهَارُ
 وَ رَحَلْتُ عَنَا ... غَسَلًا لِلْعَارُ

(نازک الملائکه، ۱۹۹۷ م، ج ۲: ۳۵۱)

ترجمه قطعه

ای مادر، نفس آخر، اشک و سیاهی
 و خون روان شد و جسم زخم خورده بی اختیار تکان خورده و لرزید
 و موهای فر دار که گِل در آنها لانه کرده است.
 و صدای «ای مادر» که کسی جز جلاد آن را نشنید.
 و فردا سپید خواهد آمد و گل ها بیدار خواهند شد،
 بیست سالگی و آرزوی شیرین و سحر انگیز او را فرا می خواند (صدا می زند)
 ولی مرغزار و گل ها جواب می دهند:
 از میان ما رفت، برای شستن لکه ی ننگ.

۵- توصیف تغزلی از زن

برخی از شاعران در قالب سروده های تغزلی و با توصیف زیبایی های زنان و ابراز عشق به آنان، کوشیدند تا زن را در کانون توجه مخاطبان خود قرار دهند. به گمان آنان، توصیف زیبایی های زنان با زبانی لطیف و گیرا، می تواند این قشر را از انزوا به صحنه های یادها و دیده ها بکشاند تا چهره ی ناشایست و منفی آنان در اذهان بدین گونه بازسازی و ترمیم شود. از میان این شاعران، در اینجا به نزاز قبانی، شاعر «زن و عشق» در شعر نوین عربی و ابوالقاسم الشابی اشاره می کنیم.

نزار قبانی، گذشته از آن که به توصیف زیبایی های زنان پرداخته است، دفاع از حقوق اجتماعی و بیان انواع ستم های جامعه نسبت به زنان را نیز محور سروده های خود قرار داده است. به یک بند از سروده ی «عشق بی حد و مرز» بنگرید که چگونه وی «زن» را در جای جای طبیعت، حاضر می بیند:

یا سیدتی:

لَا أَتَذَكَّرُ إِلَّا صَوْتَكَ

حِينَ تَدُقُّ نَوَاقِيسَ الْأَحَادِ .

لَا أَتَذَكَّرُ إِلَّا عَطْرَكَ

حِينَ أَنَامُ عَلَى وَرَقِ الْأَعْشَابِ .

لَا أَتَذَكَّرُ إِلَّا وَجْهَكَ

حِينَ يَهْرَهُرُ فَوْقَ ثِيَابِي النَّلْجُ ...

وَأَسْمَعُ طَقْطَقَةَ الْأَحْطَابِ

مَا يَفْرَحُنِي يَا سَيْدَتِي .

أَنَّ أَتَكْوَمَ كَالْعَصْفُورِ الْخَائِفِ

بَيْنَ بَسَاتِينِ الْأَهْدَابِ

(موسی اسوار، ۱۳۸۲: ۳۳۵)

ترجمه‌ی بند

بانوی من، چون ناقوس های یکشنبه به صدا درآید. جز صدای تو را به یاد نمی آورم. و چون بر برگ های علف بخوابم، جز عطر تو را به یاد نمی آورم. و چون برف بر جامه هایم آواز سر دهد و ترق و توروقِ هیزم ها را بشنوم، جز رخسار تو را به یاد نمی آورم شادمانی ام ای بانوی من آن است که چون گنجشکی ترسان در باغ های مژگان تو کز کنم

....

شاعر دیگر، ابوالقاسم الشّابی است که عشق و زن را، درونمایه‌ی اصلی سروده های خود قرار داده است و در غزل های عارفانه خود، زن و عشق به او را نشانه ای از زیبایی شناسی و زیبایی دوستی انسان می داند و عشق را همچون پلی برای رسیدن به خدا تلقی می کند. به این قسمت از قصیده «صلوات فی هیکل الحبّ» توجه کنید:

- | | |
|--|---|
| ۱ - أَنْتِ تَحْيِينِ فِي فَوَادِي مَا قَدِ | ماتَ فِي أَمْسِي السَّعِيدِ الْفَقِيدِ |
| ۲ - وَ تَشِيدِينَ فِي خِرَائِبِ رُوحِي | مَا تَلَّاشِي فِي عَهْدِي الْمَجْدُودِ |
| ۳ - مِنْ طُمُوحِ إِلْسِي الْجَمَالِ، إِلَى | الْفَنِّ، إِلَى ذَلِكَ الْفَضَاءِ الْبَعِيدِ |
| ۴ - يَا ابْنَةَ النُّورِ إِنَّنِي أَنَا وَحْدِي | مَنْ رَأَى فِيكَ رُوعَةَ الْمَعْبُودِ |
| ۵ - فَدَعِينِي أَعِيشُ فِي ظِلِّكَ الْعَذْبِ | و فِي قُرْبِ حُسْنِكَ الْمَشْهُودِ |
| ۶ - عَيْشَةً لِلْجَمَالِ وَ الْفَنِّ وَ الْإِلْهَامِ | وَ الطُّهْرِ وَ السَّنَى وَ السَّجُودِ |
| ۷ - عَيْشَةً النَّاسِكِ الْبَتُولِ ينادي الرَّبَّ | فِي نَشْوَةِ الذُّهُولِ الشَّدِيدِ |
| ۸ - وَ اَمْنِحِينِي السَّلَامَ وَ الْفَرَحَ وَ الرِّوْ | حَ يَا ضَوْءَ فَجْرِي الْمَنْشُودِ |
| ۹ - أَنْتِ تَحْتِ السَّمَاءِ رُوحٌ جَمِيلٌ | صَاغَهُ اللهُ مِنْ غَيْرِ الْوَرُودِ |
| ۱۰ - بَنُو الْأَرْضِ الْقُرُودِ وَ مَا | أَضْيَعُ عَطَرَ الْوَرُودِ بَيْنَ الْقُرُودِ |
| ۱۱ - أَنْتِ مِنْ رِيَشَةِ الْآهِ فَلَا | تُلْقَى بِنَفْسِ السَّمَاءِ لِجَهْلِ الْبَعِيدِ |

(ابوالقاسم الشّابی، ۱۹۹۹ م: ۸۰)

ترجمه ابیات

- ۱ - تو چیزی را در قلبم زنده می کنی که دیروز، مرده بود.
- ۲ - تو در لایه های روحم، چیزی را می سرایی که در روزگار خوش اقبالی ام از دست رفته بود.
- ۳ - چیزهایی از قبیل عشق به زیبایی، عشق به هنر و آن فضای فراخ را در جان من می سرایی.
- ۴ - ای دختر نور، من به تنهایی در تو زیبایی معبود را می بینم.
- ۵ - پس، بگذار تا در سایه ی روح بخش تو و کنار زیبایی ات زندگی کنم.
- ۶ - زندگی ای که سراسر زیبایی، هنر، الهام، پاکی، نور و سجده است.
- ۷ - مانند زندگی فرد عابدی که خدا را با تمام وجود عبادت می کند.
- ۸ - ای زن! ای چراغ صبحم، به من صلح و شادی عطاء کن.
- ۹ - تو روی زمین، مانند آن روح زیبایی هستی که خداوند آن را از جنسی بهتر از گل آفرید.
- ۱۰ - زمینیان در رفتار و ارزش مانند میمون هستند و چه بسا که بوی خوش گل ها میان این میمون ها، از میان برود.
- ۱۱ - تو ریشه ی خدایی داری، بنابراین از هنر آسمانی بودنت برای گمراهی بندگان استفاده مکن.

نتیجه

- ۱- در کشورهای عربی پرداختن به موضوع حقوق «زنان» از نیمه ی اول قرن نوزدهم با تأثیر پذیری از موج حرکت های آزادی خواهی زنان در غرب، مورد توجه قرار گرفت.

۲- در کنار دسته ای از روشنفکران عرب که بر اساس الگوی زن غربی، به بازیابی چهره‌ی زن در کشورهای عربی پرداختند؛ دسته ای دیگر با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، در راستای ترسیم چهره روشنی از زن مسلمان کوشش نمودند.

۳- شاعران معاصر عرب نیز در جهت دستیابی جامعه‌ی زنان به حقوق خود، بر لزوم گسترش تعلیم و تربیت و آزادی اجتماعی زنان پای فشردند و خواهان برابری حقوق زن و مرد شدند.

۴- موضوع حجاب و پوشش زنان، موردی است که بر پایه‌ی دو رویکرد غربی و اسلامی، به گونه‌ای کاملاً متفاوت در شعر شاعران عرب دیده می‌شود، دسته‌ای از شاعران، حجاب باطنی را بر حجاب ظاهری ترجیح می‌دادند و دسته‌ای دیگر با حجاب زن کاملاً مخالف بودند و آن را سبب گوشه‌نشینی و عقب‌افتادگی این قشر می‌دانستند.

بی‌گمان، مخالفت آشکار ایشان با حجاب زنان، برخاسته از این واقعیت بوده که رعایت حجاب در کشورهای عربی، در آن برهه‌ی زمانی، همراه با محروم شدن زنان از علم آموزی و ممنوع بودن حضور آنان در محیط بیرون از خانه بوده است.

در برابر دسته‌ی یاد شده، شاعران دیگر، از پوشش زنان و نقش آن در سلامت اخلاق جامعه‌ی جانب‌داری کردند و رعایت حجاب را مانعی برای علم آموزی و خدمت زنان به پیشرفت جامعه نمی‌دانستند.

۵- توصیف تغزلی زن نیز در اشعار شاعران معاصر عرب به فراوانی دیده می‌شود و بسیاری از شاعران با شرح زیبایی‌های زنان و طرح عواطف خویش نسبت به آنها، زنان را در محور سروده‌های خود قرار داده‌اند.

منابع

- ۱ - اسوار، موسی (۱۳۸۲) تا سبز شوم از عشق. تهران: انتشارات سخن.
- ۲ - حافظ، ابراهیم (۱۹۹۸) دیوان، شرح یحیی شامی. بیروت: دارالفکر العربی.
- ۳ - الزهاوی، جمیل صدقی (۱۹۲۴) دیوان. قاهره: بی نا.
- ۴ - سلدن، رمان (۱۳۷۲) راهنمای نظریه‌ی نقد ادبی معاصر. ترجمه عباس مخبر. طرح نو. تهران.
- ۵ - السید، رضوان (۱۳۸۳) اسلام سیاسی معاصر. ترجمه مجید مرادی. تهران: انتشارات باز.
- ۶ - الشابی، ابوالقاسم (۱۹۹۹) دیوان. بیروت: دار الكتاب العربی.
- ۷ - شرابی، هشام (۱۳۶۹) روشنفکران عرب و غرب. ترجمه‌ی عبدالرحمن عالم. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۸ - الشیال، جمال‌الدین (بی تا) نواغ الفكر العربی. ج ۲۴. مصر: دار المعارف.
- ۹ - صالح، العلی الصالح (۱۹۷۲) جمیل صدقی الزهاوی. دمشق: بی نا.
- ۱۰ - فروغی، محمد علی (۱۳۸۱) سیر حکمت در اروپا. جلد اول. تهران: انتشارات زوآر.
- ۱۱ - قطب، محمد (بی تا) جامعه‌شناسی زن. ترجمه محمد علی عابدی. انتشارات البرز.
- ۱۲ - مردانی، خیراله (۱۴۰۰) حقوق زن از نظر تاریخ ملت‌ها و اسلام. تهران: انتشارات آیین جعفری.
- ۱۳ - معروف الرصافی (۲۰۰۰) دیوان. بیروت: دارالعودة.
- ۱۴ - الملائکه، نازک (۱۹۹۷) دیوان. بیروت: دارالعودة.
- ۱۵ - میشل، آندره (۱۳۷۷) جنبش اجتماعی زنان. ترجمه‌ی هما زنجانی زاده. مشهد: نشر نیکا.
- ۱۶ - نیچه، فریدریش (۱۳۷۹) فراسوی نیک و بد. ترجمه داریوش آشوری. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ۱۷ - هام، مگی (۱۳۸۲) فرهنگ نظریه‌های فمینیستی. ترجمه فیروزه مهاجر و نوشین احمدی خراسانی و فرخ قره داغی. تهران: نشر توسعه.